

مهوش وقاری از سال ها بازیگری اش در سریال های خاطره انگیز به قاب کوچک می گوید

تلویزیون ویتترین کار بازیگران است

فکر می کنم در سریال های قدیمی بیشتر شاهد زندگی بودیم. آن زمان با این که همه چیز ساده بود و امکانات امروز را هم نداشتیم اما زندگی به شکل ملموس تری در سریال ها به تصویر کشیده می شد. به نظر من سریال های امروزی باید بیشتر به واقعیت زندگی نزدیک باشد و زندگی عادی مردم را در سریال ها ببینیم.

۴ شما در دانشگاه علوم سیاسی خوانده اید، چه شد که وارد کار بازیگری شدید؟

من قبل از این که مدرک دانشگاهی ام را بگیرم، استخدام آموزش و پرورش شدم. به نوعی احساس مسئولیت می کردم و دوست داشتم روی پای خودم بایستم. از خانواده متوسطی بودم. وقتی لیسانس گرفتم، کارمند آموزش و پرورش بودم. از سوی دیگر، بازیگری را از کودکی دوست داشتم و در دوران دبیرستان تئاتر کار می کردم. در زمان دانشجویی هم فعالیت داشتم. پس از انقلاب و از سال ۶۱ به شکل حرفه ای وارد حوزه بازیگری شدم و کارم را آغاز کردم.

۴ شما و همسر مرحوم تان محسن قاضی مرادی علاوه بر بازیگری به عنوان معلم هم مشغول به کار بودید. این موضوع در مسیر بازیگری تان یک فرصت بود یا چالش؟

من با سمت دبیری آموزش و پرورش بازنشته شدم. احساس می کنم همین حقوق کم بازنستگی برایم یک پشتوانه است. همکارانم را می بینم که زندگی شان با بازیگری به سختی می گذرد. البته خود من هم آن زمان سختی زیاد کشیدم و واقعا دشوار بود که هم سر کار باشم و هم سر فیلمبرداری بروم. شاید هفته ها کم خوابی داشتم اما الان می گویم خدا را شکر که همین حقوق اندک را هم دارم. همیشه هم به بازیگران جوان توصیه می کردم که سعی کنند در کنار بازیگری درآمد دیگری هم داشته باشند که خوشبختانه بسیاری از آنها همین کار را هم کردند.

۴ در گذشته نقش های خوبی برای بازیگران زن میانسال نوشته می شد؛ نمونه بارزش سریال مدرسه مادر بزرگ ها اما در سال های اخیر کمتر شاهد نقش های خوب برای این طیف از بازیگران بوده ایم. چرا این اتفاق نمی افتد؟

اتفاقا مدرسه مادر بزرگ ها یکی از سریال هایی است که خیلی دوستش دارم. یک کار خاص بود. تقریباً تمامی نقش های سریال، زنان میانسال و سن و سال دار بودند. نتیجه کار هم خیلی خوب از آب درآمد. متأسفانه این روزها برای زنان همسن و سال من نقش خوب خیلی کم نوشته می شود، به ویژه در سینما و فیلم ها که نقش افراد سن و سال دار کم رنگ یا به طور کل حذف شده است.

۴ شما و زنده یاد قاضی مرادی از آن زوج های عاشق بودید که بسیاری به دیدن تان کنار یکدیگر عادت داشتند. دو سالی از فوت همسر تان که همکار تان هم بود، می گذرد. سال های بعد از فوت آن مرحوم چگونه می گذرد؟

خیلی تلخ! علاوه بر همسر من در این دو سال اخیر پدر، مادر و برادر من را نیز از دست دادم و بر تلخی فقدان محسن اضافه شده است. یک تنهایی عجیب و غریبی در ذهنم به وجود آمده است. هنوز نتوانسته ام خودم را پیدا کنم. هنوز هم به جای خانه، می گویم خانه مان. هنوز نتوانسته ام با واقعیت کنار بیایم. همه از همسر مرحومم به نیکی یاد می کنند و خاطرات خوبی از او دارند. این موضوع باعث خوشحالی ام می شود.

مهوش وقاری را با بازی هایش در سریال های خاطره انگیز و ماندگاری از جمله مدرسه مادر بزرگ ها، پهلوانان نمی میرند، دزدان مادر بزرگ، همسران، شمس العماره، ستایش، روزگار جوانی و ... به یاد می آوریم. این بازیگر پیشکسوت که پس از درگذشت همسرش، زنده یاد محسن قاضی مرادی برای مدت نسبتاً طولانی کم کار بود، این روزها در حال بازی در سریال «غریبه» به کارگردانی سروش محمدزاده است. این دانش آموز خسته علوم سیاسی و دبیر بازنشته آموزش و پرورش در گفت و گویی که می خوانید از چگونگی ورودش به عرصه بازیگری می گوید و به مرور خاطراتش از سال ها فعالیت در این حوزه و به ویژه نقش آفرینی در سریال های تلویزیونی می پردازد. وقاری تأکید می کند تلویزیون ویتترین کاری او به عنوان یک بازیگر بوده و همیشه قاب جادو و برنامه هایش را دنبال می کند.



زهرا اصلواتی

روزنامه نگار

۴ در سال های اخیر نسبت به گذشته کم کار شده اید.

پیشنهاد خوب در بازیگری نداشتید یا خودتان ترجیح می دادید زیاد کار نکنید؟

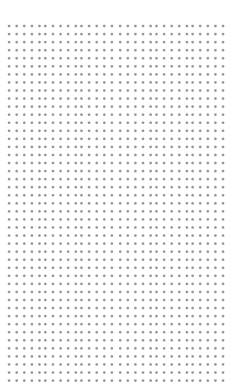
من از سال ۹۶ و بعد از سریال «دیوار به دیوار ۲» کلاً بی کار بودم. علتش را خودم هم نمی دانم. شاید به علت مصاحبه هایی بوده که داشتم و به بعضی ها برخورد است. برخی از تهیه کنندگان هم در این مدت تماس می گرفتند اما به جای پیشنهاد بازیگری، بیشتر به دنبال سرمایه گذار بودند. پس از سال ها، مشغول بازی در سریال غریبه به کارگردانی سروش محمدزاده هستم.

۴ برخی از بازیگران علاقه دارند آثار خود را در تلویزیون دنبال کنند و بعضی هم می گویند از دیدن بازی خود چندان خوش شان نمی آید. شما معمولاً برای تماشای تلویزیون چقدر وقت می گذارید؟

تلویزیون می بینم. متأسفانه این روزها بعضی ها ژست می گیرند و پز می دهند که ما تلویزیون نمی بینیم. خب از اینها باید پرسید اگر تلویزیون نمی بینید، پس من و امثال مرا از کجای می شناسید؟! تلویزیون همیشه ویتترین ما بوده و باعث شده کار کنیم. خودم هر وقت خانه باشم، تلویزیون می بینم. قبلاً طنزهای شبانه را تماشا می کردم. برنامه هایی مثل طیب را هم دنبال می کنم. شبکه آی فیلم را هم به خاطر نوستالژیک بودنش و یادآوری خاطرات گذشته زیاد می بینم. شبکه نمایش را هم تماشا می کنم.

۴ شما در سریال های خاطره انگیز زیادی مانند دزدان مادر بزرگ، هزاران چشم، روزهای زندگی، گالش های مادر بزرگ و ... حضور داشته اید که برای بسیاری خاطره انگیز است. خودتان کدام سریال را بیشتر می پسندید و مشتاق هستید که دوباره بازپخشش را ببینید؟

تمام این سریال هایی که نام بردید، برایم خاطره انگیز است. البته گاهی فراموش می کنم که مثلاً در فلان سریال هم بازی کرده ام. بعضی از سریال ها است که شاید نتیجه نهایی در حد انتظار نبوده باشد اما با گروه و عوامل حرفه ای و با اخلاقی کار کرده ای که باعث شده از آنها خاطرات خیلی خوبی داشته باشی. نمونه اش



مدرسه مادر بزرگ ها

یکی از سریال هایی

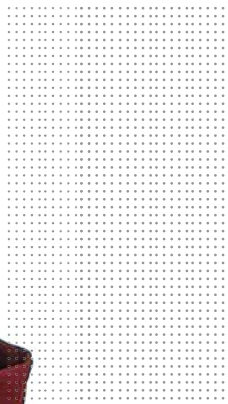
است که خیلی دوستش

دارم. یک کار خاص بود.

تقریباً تمامی نقش های

سریال، زنان میانسال و

سن و سال دار بودند



۴ از بازیگران با سابقه تلویزیون هستید. چرا با وجود این که سال ها از ساخت سریال های قدیمی می گذرد اما همچنان حتی برای نسل جدید بینندگان تلویزیون هم جذاب هستند؟



نوستالژی

یک خاطره خواندنی

خاطرات زیادی از کار دارم. معمولاً خاطرات تلخ هم پس از گذشت سال ها تبدیل به موضوعات شیرین و خنده دار می شوند. کار بازیگری همیشه با مخاطراتی همراه است. مثلاً یک بار سمت مهیاباد و سردرشت فیلمبرداری داشتیم و در سکانسی من در ماشین بودم اما کوزه ای که همراه داشتم بر اثر تصادف می شکست و عقرب های درونش در اتومبیل پخش می شدند. یعنی من می ماندم، آن هم به شکل بیهوش و یک ماشین پراز عقرب. این صحنه خیلی ترسناک بود. کارگردان گفت از جای تکان نخورتا بچه ها عقرب ها را روی مانتوات بگذارند. البته نیش عقرب ها را از قبل کشیده بودند اما باز هم خیلی ترسناک بود. این از جمله خاطراتی است که تا آخر عمر فراموش نمی کنم. وقتی کات دادند، چشم هایم را باز کردم و دیدم روی مانتو ام پراز عقرب است.